

چگونه توانستیم میزان علاقه مندی زهرا به مدرسه را افزایش داده و وابستگی او به مادرش را کاهش

دهم

محدثه علیپور

دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس

Mohadesehalipoor@gmail.com

چکیده

اقدام پژوهی پیش رو در مورد یکی از دانش آموزان ابتدایی به نام زهرا است که از لحاظ جسمانی کاملاً سالم بود اما از لحاظ رفتاری و روانی دچار مشکلاتی بود بنابراین در اولین مرحله در مورد علت ترس زهرا اطلاعاتی جمع آوری کردم و متوجه شدم که ترس او ناشی از یک ترس ذهنی و عاطفی بود که در اثر وابستگی به والدین بوجود آمده است. این عامل باعث شد که ما این مشکل را بیگیری نماییم و تا حد امکان در رفع آن تلاش کنیم. چند تا راه حل را بر روی او اجرا کردم که یکی از آن ها راه حل حساسیت زدایی (قرار دادن دانش آموز در یک عمل انجام شده یعنی روبرو کردن دانش آموز در شرایطی که ترس او از آنجا نشأت گرفته) بود که در مورد او انجام گرفت که در پایان پژوهش توانستیم ترس زهرا را نسبت به مدرسه کاهش دهیم و او را تا حدی به آرامش مطلوبی برسانیم.

مفاهیم کلیدی: مدرسه ، خانواده ، وابستگی ، ترس از مدرسه

مقدمه

ورود کودک به مدرسه ، پانهادن از دنیای کوچک خانه به دنیای وسیع تر جامعه و مدرسه است. مدرسه همچون خانواده ، محیطی اجتماعی است که بسیاری از راه و رسم های زندگی و الگوهای رفتار اجتماعی ایفای نقش های مختلف و پذیرش مسئولیت را به کودک می آموزد. از آنجائیکه کودک حدود نیمی از ساعات بیداری و فعالیت خود را در مدرسه می گذراند، لذا مدرسه قادر است بسیاری از مهارتهای شناختی و اجتماعی را که خانواده قادر به ارائه آنها نیست، به کودک بیاموزد. علی رغم امتیازات چشمگیر حضور کودک در مدرسه ، ممکن است کودک از رفتن به مدرسه امتناع ورزد و واکنشهای روانی نگران کننده ای نسبت به مدرسه از خود نشان دهد (شعاری نژاد، ۱۳۶۴؛ یاسایی، ۱۳۶۸).

اصطلاح «هراس از مدرسه» اصطلاحی جامع و فراگیر است. ریشه بیشتر این حالات همان ترس از ترک خانه است و اگر کودک را وادار به مدرسه رفتن کنیم، اضطراب او به هراس مبتدل می شود.

یکی از دلایل امتناع از رفتن به مدرسه ممکن است ناشی از عدم هماهنگی کودک با محیط مدرسه، آموزگار و یا همکلاسی ها باشد. طبق مطالعات انجام شده در بیشتر موارد علت این مسئله مربوط به خود مدرسه نبوده، بلکه نگرانی و اضطراب ناشی از جدا شدن از مادر و تنها ماندن باعث ایجاد چنین ترسی شده و به همین خاطر کودک احساس عدم امنیت می کند. این کودکان اکثراً باهوش و خجالتی بوده و قبل از مدرسه رفتن کمتر از مادرشان جدا شده اند و همیشه وابستگی شدیدی بین مادر و کودک وجود داشته است. از طرف دیگر ممکن است مادر به علت وسواس و حمایت بیش از حد از فرزند خود باعث شود این وابستگی تشدید شود که اختلال ترس از مدرسه را تقویت می کند. حدود ۳ و نیم درصد کودکان به این ناراحتی مبتلا می شوند و در دخترها و طبقه مرفه بیشتر است. به این رفتارها اضطراب جدایی می گویند. (بی نام، ۱۳۹۵). اکثریت کودکان در مدت کوتاهی با محیط جدید هماهنگ شده و میتوانند خود را سازگار کنند. اما بعضی از کودکان ترس شان کم نمی شود برای کم شدن اضطراب این دسته از کودکان باید از قبل با کودک